



اهدای جنین

بحث اهداء جنین، یکی از مسائل مورد ابتلا به است که با شروطی در قانون ایران مجاز دانسته شده و در حال اجراء می‌باشد. از طرف دیگر ابتلای به این مسأله اندک نیست. در نتیجه مناسب است که جواب مختلف این بحث برای روشن شدن حقیقت و احکام آن از نظر فقهی مورد بررسی قرار گیرد که از جمله مسائل قابل بررسی در مسأله اهداء جنین، دریافت هزینه در ازای این عمل است.

اشاره اجمالی به مباحث مطرح در اهداء جنین

به صورت فهرستی می‌توان برای بحث اهدای جنین به مواردی اشاره کرد که تفصیل آن در مباحث آتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

اقسام اهدای جنین

مطلب اول در مورد اهدای جنین، اقسام و فروض مسأله آن است. البته ممکن است فروضی که مطرح می‌شود، با آنچه در خارج انجام می‌شود، تطابق نداشته باشد؛ چون چیزی که خارجاً انجام می‌شود، قسم خاص و همراه با شروط خاصی است. اما بحث حاضر محدود به آن قسم خاص نیست بلکه به صورت عام و گسترده به اقسام مسأله پرداخته می‌شود.

چیزی که در خارج انجام می‌شود و به تصویب قانون هم رسیده، این است که جنین تلقیح شده کامل، یعنی مؤلف از اسپرم و تخمک که به صورت فریز شده از یک زن و مرد دیگری غیر از موردی که بناء است که به آنها اهداء شود، دریافت می‌شود و بعد به زوج نابارور واگذار می‌گردد. درحقیقت اسپرم از مرد دیگری است و تخمک هم که بستر شکل‌گیری است، از زن دیگری است که از آنها دریافت می‌شود و به زوجین نابارور اهداء می‌شود. البته این عمل در صورتی انجام می‌شود که زوج و زوجه هر دو نابارور باشند؛ چون اگر یک طرف نابارور باشد، فروض دیگری مطرح می‌شود.

لازم به ذکر است که وقتی در قانون تصویب شده است، برداشت می‌شود که از باب ضرورت تصویب شده است و حکم اولی آن نبوده است و ضرورت در فرضی تصویر می‌شود که هر دو مشکل داشته باشند؛ چون اگر صرفاً یکی از طرفین مشکل داشته باشد، لازم نخواهد بود که اسپرم یا تخمک یا از غیر زوجین گرفته شود.

در مقابل این صورت، دو فرض دیگر وجود دارد:

صورت اول این است که اسپرم از مردی دیگر اهداء به خانواده‌ای شود که مرد نابارور است و امکان باروری برای او وجود ندارد. در این صورت اسپرم مرد دیگری به زنی که مشکل باروری ندارد، اهداء می‌شود. در این صورت اهداء جنین کامل صورت نمی‌گیرد بلکه اهداء اسپرم است.

صورت دوم اهدای تخمک به زوجینی است که خانم دارای مشکل است.

در کنار سه فرض مطرح شده، فرض چهارم، اهدای جنین یا اسپرم به خانم به مجرد است که جنین مرکب از اسپرم و تخمک یا اسپرم به تنهایی، به زن بدون شوهر اهداء شود که قانون اجازه جنین‌عملی را نداده است بلکه قانون صرفاً اهدای به زوج نابارور را جایز دانسته است و زوجیت را از شرائط اهداء فرض کرده است. در حالی که اگر این حکم به صورت حکم



اولی باشد، اشکالی نخواهد داشت که در مورد خانم مجرد نیز این اتفاق بیفتد که متأسفانه درخواست هایی در این زمینه نیز وجود دارد که خانم های مجرد طالب ازدواج نیستند و چه بسا به جای نگهداری از حیوانات درخواست اهداء جنین دارند که در این جهت مشروعیت این عمل نیازمند بررسی فقهی خواهد بود.

اشاره به سه نکته

در بحث حاضر، بحث مالکیت مطرح نیست بلکه بحث نسب است. در نتیجه اگرچه مولی مالک عبد و همه جهات او است، اما این طور نیست که به جهت مالکیت بتواند اسپرم مربوط به عبد خود را هر طور که بخواهد استفاده کند و نسب شکل گیرد.

نکته دیگر این است که از نظر برخی از بزرگان وقتی که جنین در رحم زن قرار می گیرد، صاحب تخمک مادر نیست بلکه زن حامل مادر محسوب می شود. از جمله این بزرگان مرحوم آقای خویی و مرحوم تبریزی هستند که در این زمینه به تعبیر «إِنْ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ»^۱ اشاره کرده اند که معیار در مادر بودن را ولادت و بارداری دانسته است.

مطلب سوم بحث ضمانت است که در قانون مطرح شده است. ضمانتی که مطرح شده، بحث اجرایی است و حکم اولی شرع نیست؛ چون مسأله اهداء جنین همانند فرض مراجعه به پرورشگاه و اخذ کودک به عنوان فرزندخواندگی است که با صرف اخذ، کودک فرزند زن و مرد نمی شود ولی از آنها ضمانت اجرائی مطالبه می شود. بحث ضمانت اجرایی در قانون، در حکم اولی دخالت ندارد بلکه امری از باب مصلحت است که انسان تبدیل به وسیله تولید نشود که منتج به فرزندانی شود که رها شده باشند و زحمت آنها به پرورشگاه تعلق گیرد.

احکام مترتب بر اهداء جنین

تاکنون روشن شد که در مورد اهداء جنین چهار فرض وجود دارد. جهت دیگر احکام مترتب بر اهداء جنین است.

الف: مناسبات دینی و مذهبی

از جمله احکامی که در قانون نیز به آن اشاره شده است، بحث مناسبات دینی و مذهبی یعنی مسلمان بودن یا نبودن است؛ یعنی آیا می توان جنینی را که از مسلمان گرفته است، به غیر مسلمان اهداء کرد؟

ب: از بین بردن جنین تلقیح شده

از جهات دیگر مربوط به اهداء جنین، از بین بردن تلقیح اسپرم و تخمک است؛ چون این جنین ها در موارد متعددی به صورت موضوعی شکل نمی گیرد، بلکه ناخواسته در مسیر تولید برای زوجین شکل می گیرند؛ یعنی زن و مردی که دارای اسپرم و تخمک هستند، به جهت سقط مکرر و عدم استمرار حمل، خارج از رحم، از زن و شوهر تخمک و اسپرم را با وجوه مختلف تهیه کرده و در خارج از رحم به صورت متعدد تلقیح می کنند و تکثیر می دهند و در یک مرحله ای از پرورش، پزشک برخی از اینها را گزینش کرده و به رحم زوجه ای که اسپرم و تخمک از خود آنها دریافت شده است، منتقل می کند و باقی مانده جنین ها را معدوم می کنند که خود معدوم کردن جنین تلقیح شده در خارج از رحم محل بحث خواهد بود.



این مسأله به مناسبت بحث سقط جنین مورد بررسی قرار گرفته است.

ج: نگهداری جنین های تلقیح شده در وسائل آزمایشگاهی

صورت دیگر نگهداری جنین های باقی مانده در وسائل آزمایشگاهی است که در اصطلاح فریز گفته می شود. جنین های فریز شده قابلیت انتقال به رحم زوجه و دیگران را دارد. اساساً گاهی از این جنین های فریز شده برای زمان های بعد که چه بسا مرد ابتلائی مانند سرطان یا سایر بیماری ها داشته باشد و آمادگی باروری نداشته باشد، استفاده می شود. جنین ها در بانکی نگهداری می شوند تا زمان مناسبی که مورد نیاز خودشان باشد، به خودشان انتقال دهند. در برخی موارد نیز این موارد نگهداری شده، در چرخه اهداء قرار می گیرد که از پدر و مادر اولی بریده محسوب شود و به دیگران در مرحله اهداء قرار گیرد.

بنابراین این گونه نیست که این حالت مخصوص اهداء انجام شده باشد، بلکه به صورت طبیعی در راستای درمان زوجینی که به مشکل سقط مکرر دچار شده اند، جنین هایی زائد بر جنین های مورد نیاز برای بارداری شکل می گیرد که این جنین ها با فرض عدم نیاز زوجین در مسیر اهداء قرار می گیرد. البته این فرایند توضیح داده شده که ابتداء برای تلقیح خود زوجین باشد و بعد اهداء شود، تأثیری در حکم ندارد بلکه از نظر خارجی به این صورت بوده است که داعی بالخصوص اهداء نبوده است. این فرض به این مناسبت بیان شد که اگر از مسلمانی گرفته شده باشد و بعد اهداء انجام گیرد، اهداء به غیر مسلمان محل بحث خواهد شد؛ چون ممکن است که مسلمان ابتداء حاضر نشود که اقدام به اهداء جنین خود به غیر مسلمان کند، اما با توجه به اینکه مخصوص این کار انجام نداده است بلکه در راستای نابروری خود انجام داده است، در مراکزی نگهداری شود و انقطاع پیدا کند که چه بسا جزء قانون هم باشد که برای جلوگیری از تنازع در یک قسمتی انقطاع را انجام می دهند که دیگر هدیه کننده قابل دستیابی نباشد. حال به این مناسبت اهدای جنین های مسلمان به غیر مسلمان مورد بحث قرار می گیرد. البته در قانون ذکر شده است که رعایت این جهت لازم است و از این مطلب استفاده می شود که اگر اهداء کننده مسلمان است، طرف مقابل هم مسلمان باشد و مراکز نابروری مجاز نیستند که جنین های مسلمان را به زوجین یا زن غیر مسلمان اهداء کنند. در نتیجه لازم خواهد بود که در مراکز نگهداری جنین ها، تفکیک بین مسلمانان و غیرمسلمانان وجود داشته باشد که قابل شناسائی باشند.

در مورد لزوم رعایت تبعیت در اصل دین روشن است و تفکیک لازم خواهد بود، اما در مورد شیعه و سنی این مقدار لازم نخواهد بود؛ چون با توجه به اینکه ازدواج شیعه و سنی جایز است، اهداء جنین جایز خواهد بود که با این اساس مبنای قانون که نسبت به مذهب نیز تماثل را لازم دانسته اند، روشن نیست.

رعایت تماثل در دین و مذهب هم مسأله مهمی است؛ چون فرزند مسلمان احکامی داشته و تابع خود مسلمان است کما اینکه فرزند کافر قبل از بلوغ یا قبل انتخاب دین، محکوم به احکام کفر است. در نتیجه اگر جنین اهدائی از پدر و مادر یهودی، مسیحی یا زرتشت باشد، بنابر مبنائی که اهل کتاب محکوم به طهارت نیستند، بحث تبعیت اقتضای نجاست فرزند را خواهد داشت. در نتیجه جاری شدن احکام تبعیت از ابوبین باید در مورد جنین اهدائی مورد بررسی قرار گیرد.



د: نکاح

در بحث ازدواج نیز مطرح شده است که ازدواج کافر و مسلمان جایز نیست. حال اگر جنین اهدائی مربوط به غیر مسلمان باشد و پدر و مادر اصلی غیرمسلمان باشند، بحث خواهد بود که مسلمانی در سن عدم بلوغ با این دختر عقد برای ایجاد محرمیت بخواند و بالعکس غیر مسلمان با جنین اهدائی مسلمان قبل بلوغ ازدواج کند.

ه: ارتداد

بحث ارتداد نیز در موارد این جنین ها مطرح است؛ یعنی این جنین که از پدر و مادر مسیحی بوده است، به خانواده مسلمان اهداء شده و پرورش پیدا کرده باشد. بعد از سالها مرتد شود. در این زمینه محل بحث خواهد بود که با او باید معامله ارتداد ملی یا فطری صورت گیرد. اگر ملاک پدر و مادر اصلی باشد، مرتد ملی خواهد بود و اگر ملاک پدر و مادر اهداء شده باشد، فطری خواهد بود. اینها احکامی است که باید دنبال شود.

و: نسب، محرمیت، ارث

از جمله احکام نیازمند بررسی، بحث نسب است که بخشی از آن در اینجا اشاره شد و بخش های فراوان دیگری بر آن وجود دارد. بحث محرمیت نسبت به پدر و مادر اصلی و نسبت به پدر و مادر اهدائی. بحث ارث نیز محل بحث است. در مثل فرزندهای پرورشگاهی، ارث منتفی است و مالی را به حسب قانون به نام فرزند قرار می دهند که بحث ارث نیست و دارای حکم ارث نیست تا مثلاً خمس نداشته باشد بلکه مال اهدائی است. اما در جنین اهدائی وضعیت ارث مبتنی بر نسب است که ارث از پدر و مادر اصلی باشد و یا اینکه جنین با اهداء فرزند زوجین شود.

در مورد صدور شناسنامه این افراد برای ما روشن نیست که علامتی دال بر اهدائی بودن قید شده باشد تا وضعیت احکام نسب مورد توجه باشد و یا اینکه بعد از اهداء به زوج نابارور از ناحیه مشخصات شناسنامه ای هیچ تمایزی نداشته باشند. البته طبق قانون در مرکزی ثبت شده است و در شرائطی که نیاز باشد، به مراکز ذی صلاح ارائه می شود و در نتیجه از این جهت به صورت کاملاً رها نیست که کلاً گم شده باشد. البته اصل اینکه این جنین اهدائی است را کاری انجام می دهند که پدر و مادر اصلی دیگر دسترسی ندارند؛ چون اگر دسترسی وجود داشته باشد، مشکل خواهد شد و چه بسا فرزند به پدر و مادر اصلی مراجعه کند و خود را وارث قرار دهد. در نتیجه پدر و مادر برای رهایی از این مشکل حالت انقطاع ایجاد می شود. یکی از نکاتی که در مورد اهداء جنین مطرح شده است، گسترش بیماری های ژنتیکی در اثر افزایش بی رویه اهداء جنین است؛ چون با گسترش این فرایند و عدم اطلاع افراد نسبت به این موضوع، با توجه به مشابه بودن ژن کسانی که ازدواج می کنند، موجب گسترش بیماری خواهد شد. در این زمینه می توان گفت: این مطلب بحث حکومتی است و بحث فقهی ندارد، کما اینکه پزشکان بحث هایی را در مورد ازدواج فامیلی مطرح می کنند که این بحث ها، اختصاص به محارم ندارد بلکه حتی بستگان غیر محرم نیز این بحث مطرح است. به هر حال این مباحث جنبه های اصل مشروعیت کار را از جهت فقهی دچار اشکال نمی کند؛ چون این مسائل حتی در ازدواج های مشروع نیز قابل طرح است که نیازمند بررسی خواهد بود و ما هم به مناسبت در بحث سقط مطرح کرده ایم که اگر زن و مرد که جواز ازدواج دارند و از نظر شرعی مشکلی برای آنها نیست، اما می دانند یا در معرض جدی برای عیب جدی است، تسبیب برای ایجاد جنین معیوب مورد بحث است؛ حتی اگر



ازدواج آنها مشکلی نداشته و صحیح باشد. این جهت دیگری است. مشروعیت عمل از نظر اینکه اصل کار یک مسأله است و اینکه ممکن است که جنین های معیوبی متولد شوند، بحث دیگری است که در محل بحث مدخلیت ندارد. به مناسبت احکام نسب آثاری که مترتب می شود، بحث سیادت و قرشیت است که فرض این است که اینها موضوع احکام خاصی در زن و مرد است؛ چون زن قرشی و غیر قرشی در بحث حیض مؤثر است و در مرد و زن هم سیادت موضوع آثاری در خمس و زکات است که هاشمی نمی تواند زکات را به غیر هاشمی بدهد. در این زمینه جنین اهدائی با پدر و مادر اصلی سنجیده شود و یا ملاک پدر و مادر فعلی است.

ز: نفقه

حکم دیگر بحث نفقه است که باید مورد بررسی قرار گیرد که بر عهده پدر و مادر اصلی یا پدر و مادر اهداء شده است. به صورت کلی تمامی احکام مترتب شده بر نسبت که در شریعت وجود دارد بر اساس کدام پدر و مادر است. بسیاری از این احکام ذکر شده، روشن نیست. البته ممکن است گفته شود که از نظر تکلیفی انجام این عمل جایز نیست، ولی در عین حال باید احکام نسب از باب ناچاری نفی شود؛ چون برخی احکام مثل انتفای ارث، مربوط به هر ولد نامشروع نیست بلکه در مورد ولد نامشروعی است که به واسطه زنا متولد شده است، اما اگر زنا نباشد، حتی اگر نامشروع باشد، حکم محرومیت از ارث مترتب نمی شود و این اختصاص به قضیه موارد تلقیح ندارد. در مورد جنین اهدائی نیز ممکن است که جایز نباشد، ولی اگر این عمل انجام شد، احکام نسب مترتب می شود و حتی ارث هم وجود خواهد داشت. به عنوان مثال از نظر مرحوم آقای خویی، خانمی که به او اهداء صورت گرفته است، مادر محسوب می شود و در نتیجه مادر از جنین اهدائی ارث می برد و جنین نیز از او ارث خواهد برد. بالاتر اینکه مادر اهداء کننده اصلاً طرف نسب و از جمله ارث نیست ولو اینکه عمل مشروع نباشد، اما در عین حال تمام احکام نسب و از جمله ارث بر این مورد مترتب می شود؛ چون چیزی که ارث از آن منتفی است، هر ولد نامشروع نیست بلکه ولدی است که نامشروعیت آن به واسطه زنا شکل گرفته است. حتی در مورد زنا بحث شده است که مستفاد از برخی نصوص این است که خود عمل زنا یک عمل حرام است و انزال از زانی حرام دیگر است؛ یعنی از ادله این طور استفاده می شود که زانی اگر انزال در رحم اجنبیه کند، دو گناه مرتکب شده است. یک گناه خود زنا و دیگری انزال در رحم اجنبیه است. این از اموری است که دلیل آن در راستائی که مورد نظر است، مورد بیان خواهد بود.

حال اگر زانی خارج رحم انزال کرده و بعد نطفه جذب رحم شود، این حکم ولد زنا را نخواهد داشت. ولد زنا در فرضی است که جنین از زنا متولد شود و زانی انزال داخل رحم کرده باشد، اما اگر انزال خارج رحم باشد و بعد جذب رحم شود، جنین از زنا متولد نشده است بلکه نظیر این است که اسپرم یک مرد اجنبی بر رحم زن اجنبیه تلقیح شود که این تلقیح زنا محسوب نمی شود، اما در عین حال ممکن است گفته شود که مشروع هم نیست که این بحث مطرح خواهد شد. اهداء جنین یا اسپرم ممکن است که از نظر تکلیفی جایز نباشد، اما عدم جواز مستلزم ابطال نسب نخواهد بود کما اینکه در مورد زنا نیز موجب ابطال نسب نیست و فرزند متولد شده از زنا دارای نسب است و نهایتاً ارث ساقط است اما بقیه احکام نسب از محرمیت و مسأله قصاص نشدن پدر قاتل مترتب خواهد شد.



در صورتی هم که خود زن انجام دهد ولد زنا نمی شود؛ چون لازم است که زنا موجب ایجاد جنین شده باشد که بر این اساس اگر انزال خارج از رحم باشد ولو اینکه به استمناء باشد و به رحم زن منتقل شود، زنا نخواهد بود کما اینکه بسیاری از جنین های اهدائی به همین صورت است که مرد به صورت استمنای نامشروع نطفه را از خود خارج می کند و مراحل تلقیح با تخمک زوجه انجام می شود. این عمل به معنای مباح بودن استمناء نیست، اما اگر اتفاق بیفتد، درعین جایز نبودن، فرزند متولد شده در این فرض، ولد نامشروع که در نصوص آمده است، نخواهد بود بلکه فرزندمشروع است و حتی تلقیح هم در این مورد منعی ندارد؛ چون زن و شوهر هستند و نهایتاً مقدمه این کار که استمناء است نامشروع بوده است. اینها بخشی از جهاتی است که در مسأله اهداء جنین وجود دارد. جهات دیگری نیز وجود دارد که در مباحث آتی مطرح خواهد شد. مقصود از این جلسه صرفاً بیان صور و چالش های مربوط به جنین های اهدائی بود که تفصیل در ادامه مورد بررسی قرار می گیرد.